

# درباره‌ی شعار دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست‌ترین دهقانان در دوره‌ی تدارک برای اکتبر

جواب به س. پاکروفسکی

ی. و. استالین

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

بهمن ۱۳۸۶

درباره‌ی شعار دیکتاتوری پرولتاریا و  
تهیدست‌ترین دهقانان در دوره‌ی تدارک برای  
اکتبر

جواب به س. پاکروفسکی

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)  
بهمن ۱۳۸۶

# درباره‌ی شعار دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست‌ترین دهقانان در دوره‌ی تدارک برای اکتبر

## جواب به س. پاکروفسکی

من تصور می‌کنم نامه‌ی مورخه‌ی دوم ماه مه سال جاری شما هیچ‌گونه موجب و دلیلی به دست نمی‌دهد که به این نامه مفصلاً و به اصطلاح نکته به نکته جواب داده شود. این نامه در حقیقت نسبت به نامه‌ی یان - سکی مضامین تازه و مخصوصی ندارد. اگر با وجود این من به مکتوب شما پاسخ میدهم از آن لحاظ است که این مکتوب شامل بعضی عناصر تجدید آشکار نظرات کامنف در دوره‌ی آوریل و مه سال ۱۹۱۷ می‌باشد. فقط برای افشای این عناصر تجدید نظریات کامنف است که لازم می‌دانم مختصراً جواب نامه‌ی شما را بنویسم.

۱ - شما در نامه‌ی خودتان می‌گوئید که "ما در واقع در دوره‌ی از فوریه تا اکتبر دارای شعار اتحاد با تمام دهقانان بودیم". می‌گوئید که "حزب در دوره‌ی از فوریه به سوی اکتبر از شعار قدیمی خود نسبت به دهقانان، یعنی از شعار با تمام دهقانان به طور یک جا، طرفداری و مدافعه می‌کرد".

از اظهارات فوق اولاً چنین بر می‌آید که بلشویک‌ها در دوره‌ی تدارک اکتبر (از آوریل تا اکتبر ۱۹۱۷) وظیفه‌ی خود نمی‌دانستند که بین تهیدست‌ترین دهقانان و دهقانان با بضاعت حد فاصلی بگذارند، بلکه دهقانان را به طور یکجائی در مد نظر قرار می‌دادند.

ثانیاً چنین بر می‌آید که در دوره‌ی تدارک اکتبر، بلشویک‌ها شعار قدیمی خود یعنی "دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان" را با شعار تازه یعنی "دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست‌ترین دهقانان" عوض نکرده بلکه در نظریه‌ی قدیمی که در رساله‌ی موسوم به "دو تاکتیک" لنین در سال ۱۹۰۵ ذکر شده است هم چنان باقی مانده بودند.

ثالثاً چنین بر می‌آید که سیاست بلشویکی در مبارزه بر ضد تردید و سازشکاری شوراهای، در دوره‌ی تدارک اکتبر (از مارس تا اکتبر سال ۱۹۱۷)،

علیه تردید دهقانان میانه حال در شوراها و در جبهه، علیه تردید بین انقلاب و ضد انقلاب، علیه تردید و سازشکاری‌هایی که مخصوصاً در ایام ژوئن جنبه‌ی شدیدی به خود گرفته بود یعنی موقعی که شوراها با سازشکاران اس ار و منشویک در رأس خود، با ژنرال‌های ضد انقلابی برای تنها گذاشتن بلشویک‌ها هم قدم و همراه شده بودند؛ مبارزه‌ی بلشویکی علیه این تردیدها و سازشکاری‌های افشار معین دهقانان بی موضوع بوده و اصلاً لزومی نداشته است.

و بالاخره چنین بر می آید که کامنف، که در ماه آوریل - مه ۱۹۱۷ از شعار دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان طرفداری می کرد، ذیحق بوده ولی لنین که این شعار را کهنه شده می دانست و شعار تازه‌ی دیکتاتوری پرولتاریا و فقیرترین دهقانان را به میان آورد، محق بوده است.

فقط طرح این پرسش‌ها کافی است تا به عدم تناسب سر تا پای مکتوب شما پی برده شود.

ولی چون شما یکی از دوستان بزرگ شاهد مثال‌های جداگانه از تألیفات لنین هستید، ما هم به این شاهد مثال‌ها مراجعه می کنیم.

زحمت زیادی لازم نیست تا ثابت شود که آن چه لنین در مناسبات کشاورزی روسیه پس از انقلاب فوریه از نظر توسعه‌ی بعدی انقلاب آن را موضوع تازه‌ای می دانست، اشتراک منافع پرولتاریا و دهقانان به طور یکجا نبود بلکه شکاف میان تهیدست ترین دهقانان و دهقانان با بضاعت بود که اولی آنها یعنی تهیدست ترین دهقانان به طرف پرولتاریا جلب میشد و دومی یعنی دهقانان با بضاعت به دنبال حکومت موقتی می رفت.

این است آن چه که لنین در آوریل سال ۱۹۱۷ هنگام مناقشه‌ی قلمی با کامنف و طرفداران او در این باب گفته است:

« برای حزب پرولتاریا جائز نیست که اکنون\*<sup>۱</sup> به اشتراک منافع با دهقانان امید بندد. » (از نطق لنین در کنفرانس آوریل سال ۱۹۱۷، جلد ۲۰ ص. ۲۴۵ چاپ روسی).

و بعد می گوید:

« هم اکنون ما در تصمیمات یک سلسله از کنگره‌های دهقانان به این فکر بر می خوریم که در حل مسئله‌ی کشاورزی تا افتتاح مجلس

<sup>۱</sup> - ۱ - \* تکیه روی کلمات از من است. ی. استالین - (کلیه‌ی جاهائی که با (\*)) علامت گذاری شده تکیه از رفیق استالین است).

مؤسسان تأمل شود؛ این پیروزی دهقانان با بضاعت \* است که به طرف کادتها متمایل می شوند. « (از نطق لنین در کنفرانس عمومی شهر پتروگراد در آوریل سال ۱۹۱۷، جلد ۲۰، ص. ۱۷۶ چاپ روسی)

بعد می گوید:

« ممکن است دهقانان تمام اراضی و تمام قدرت را به دست گیرند. من نه فقط این امکان را فراموش نمی کنم و نه فقط میدان دید خود را به امروز محدود نمی کنم، بلکه برنامه‌ی کشاورزی را مستقیماً و دقیقاً با در نظر گرفتن وضع جدید: یعنی پیدایش شکاف \* عمیق‌تری میان دهقانان مزدور و تهیدست‌ترین دهقانان از یک طرف و دهقانان صاحب ملک از طرف دیگر فرمول بندی می‌نمایم. « (از مقاله‌ی آوریل لنین "مکاتیب راجع به تاکتیک" جلد ۲۰، ص. ۱۰۳ چاپ روسی)

این بود آن چیز نوین و مهمی که لنین در شرایط نوین روستا در دوره‌ی پس از انقلاب فوریه مشاهده می‌کرد. اینست آن چه که لنین، وقتی پایه‌ی سیاست حزب را در دوره‌ی پس از فوریه‌ی سال ۱۹۱۷ می گذاشت، منشاء نظر خود قرار داده بود. این موضوع را لنین منشاء نظر خود قرار داد موقعی که در کنفرانس عمومی شهر پتروگراد در آوریل سال ۱۹۱۷ گفت:

« فقط در محل، یعنی در اینجا ما مطلع شدیم که شورای نمایندگان کارگران و سربازان حکومت را به دست دولت موقتی سپرده است. شورای نمایندگان کارگران و سربازان، خود دیکتاتوری پرولتاریا و سربازان است و اکثریت سربازان را دهقانان تشکیل می دهند. پس این همان دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان است. ولی این "دیکتاتوری" وارد سازش با بورژوازی شده است. در اینجا است که تجدید نظر در بلشویسم "کهنه لازم است" \* « (جلد ۲۰، ص. ۱۷۶ چاپ روسی)

و باز همین موضوع منشاء نظر لنین بود هنگامی که در ماه آوریل سال ۱۹۱۷ نوشته بود:

« هر آن کسی که اکنون فقط از "دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان" صحبت میدارد، آن کس از زندگی عقب مانده است، بنابراین چنین کسی عملاً، علیه مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاریا، به طرف خرده بورژوازی رفته است، آن کس را باید به بایگانی عتیقه جات "بلشویکی" قبل از انقلاب (که میتوان بایگانی "بلشویک‌های کهنه" نامیدش) تحویل داد. » (در همان جا ص. ۱۰۱ چاپ روسی)

شعار دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست ترین دهقانان، به جای شعار قدیمی - دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان، بر روی همین زمینه به وجود آمد. شما همان طوری که در مکتوب خودتان این کار را کرده‌اید، می‌توانید بگوئید که این یک نوع جهش تروتسکیستی است که از بالای سر انقلاب پایان نیافته‌ی دهقانان. ولی این اظهار شما همان قدر متقاعد کننده خواهد بود که اعتراض کامنف در آوریل سال ۱۹۱۷ بر ضد لنین متقاعد کننده بود. لنین این اعتراض را کاملاً در نظر داشت وقتی که می‌گفت:

« تروتسکیسم - "بدون تزار ولی حکومت کارگران". این غلط است. خرده بورژوازی وجود دارد و آن را نمیتوان بیرون انداخت. ولی این خرده بورژوازی شامل دو قسمت است. تهیدست ترین \* قسمت آن با طبقه‌ی کارگر همراه است. » (جلد ۲۰، ص. ۱۸۲ چاپ روسی)

اشتباه کامنف و اکنون اشتباه شما، در این است که نمی‌توانید فرق میان دو قسمت خرده بورژوازی و در این مورد دهقانان را دریابید و بدان توجه کنید و نمی‌توانید تهیدست ترین قسمت دهقانان را از توده‌ی یکجائی دهقانی تفکیک نمائید و سیاست حزب را در حال عبور از نخستین مرحله‌ی انقلاب در سال ۱۹۱۷ به دومین مرحله‌اش روی این پایه بنا سازید و نمی‌توانید شعار نوین یعنی دومین شعار استرترژیک حزب را درباره‌ی دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست ترین دهقانان از اینجا استنتاج نمائید. حالا تاریخ عملی شعار "دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست ترین دهقانان" را از آوریل الی اکتبر سال ۱۹۱۷ در تألیفات لنین تعقیب کنیم.

آوریل سال ۱۹۱۷:

« شکل خاصی که حال حاضر در روسیه دارد، عبارت است از عبوراز مرحله‌ی اول \* انقلاب که حکومت را در اثر آگاه و متشکل نبودن کافی پرولتاریا به دست بورژوازی داد، به مرحله‌ی دوم آن یعنی مرحله‌ای که باید حکومت را به دست پرولتاریا و تهیدست‌ترین قشرهای دهقانان \* بسپارد. » (رجوع شود به "تزه‌های آوریل" لنین جلد ۲۰، ص. ۸۸ چاپ روسی)

ژوئیه سال ۱۹۱۷:

« فقط کارگران انقلابی، هرگاه از طرف تهیدست‌ترین دهقانان \* حمایت شوند، قادرند مقاومت سرمایه‌داران را در هم شکنند، مردم را به آستانه‌ی تصرف مجانی اراضی، آزادی کامل، غلبه بر گرسنگی، غلبه بر جنگ و صلح عادلانه و استوار برسانند. » (رجوع به جلد ۲۱، ص. ۷۷ چاپ روسی)

اوت سال ۱۹۱۷:

« فقط پرولتاریا رهبر تهیدست‌ترین دهقانان \* (یا به اصطلاح پروگرام ما، نیمه پرولترها) میتواند جنگ را با صلح دموکراتیک خاتمه داده، جراحات آن را مرهم نهد و قدم‌هایی را که بدون شک جنبه‌ی حتمی و فوری به خود گرفته است به سوی سوسیالیسم بر دارد - اینست تعریف سیاست طبقاتی ما در حال حاضر. » (رجوع به جلد ۲۱، ص. ۱۱۱ چاپ روسی)

سپتامبر سال ۱۹۱۷:

« فقط دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست‌ترین دهقانان \* قادر است مقاومت سرمایه‌داران را در هم شکسته؛ عزم عالی، شجاعت و قطعیت واقعی در حاکمیت از خود بروز داده حمایت صمیمانه، فداکارانه و حقیقتاً قهرمانه‌ی توده‌ها را چه در ارتش و چه در میان دهقانان برای خویش تأمین نماید. » (در همان جا ص. ۱۴۷)

سپتامبر - اکتبر سال ۱۹۱۷، رساله‌ی "آیا بلشویک‌ها قدرت دولتی را در دست نگاه خواهند داشت؟" که در آنجا لنین با نشریه‌ی "نواپا ژیزن" (زندگی نو) [۱] مباحثه میکند:

« یا \* تمام حکومت به دست بورژوازی - چیزی که شما مدت‌ها است از آن طرفداری نمی‌کنید و خود بورژوازی هم قادر نیست در این باب کلمه‌ای هم بر زبان راند چون میدانند که ملت چنین حکومتی را در همان بیستم، بیست و یکم آوریل با یک بالا انداختن شانه سرنگون ساخت و حالا سه بار هم قطعی‌تر و بی‌امان‌تر از آن سرنگونش خواهد ساخت؛ یا \* حکومت خرده بورژوازی یعنی ائتلاف (اتحاد، سازش) او با بورژوازی، زیرا خرده بورژوازی نمی‌خواهد و نمی‌تواند تنها و مستقلاً حکومت را به دست گیرد، و این چیزی است که تجربه‌ی همهی انقلاب‌ها آن را ثابت کرده است و علم اقتصاد هم ثابت میکند وقتی توضیح میدهد که در مملکت سرمایه‌داری ممکن است طرفدار سرمایه‌شد، ممکن است طرفدار زحمت بود ولی بین این دو نمی‌توان قرار گرفت این ائتلاف طی شش ماه در روسیه بیش از ده‌ها طریقه را آزمایش کرده و زمین خورده است. یا \* بالاخره باید تمام حکومت بر ضد بورژوازی در دست پرولتاریا و تهیدست‌ترین دهقانان \* بیفتد که مقاومت بورژوازی در هم شکسته شود. این هنوز در بوته‌ی آزمایش قرار نگرفته است، و این شما هستید، آقایان از زمره‌ی "نوایا ژیزن"، که ملت را از این طریق منصرف می‌سازید و واهمه‌ی خود را در مقابل بورژوازی می‌خواهید دامنگیر ملت هم بکنید. هیچ راه چهارمی نمی‌توان اختراع کرد. » (همان جا ص. ۲۷۵)

این بود واقعیات.

تمام این واقعیات و حوادث تاریخ تدارک اکتبر را شما "به سلامتی" از نظر می‌اندازید و مبارزه‌ی بلشویک‌ها را در دوره‌ی تدارک اکتبر با تردید و سازشکاری "دهقانان صاحب ملک" که آن وقت کرسی شوراها را اشغال کرده بودند، "به سلامتی" از تاریخ بلشویسم قلم می‌زنید و شعار لنین درباره‌ی دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست‌ترین دهقانان را "به سلامتی" به خاک می‌سیارید و با تمام اینها تصور میکنید که نسبت به تاریخ و لنینسم تجاوز نکرده‌اید.

از این شاهد مثال‌ها که ممکن بود مقدار بیشتری هم ذکر شود شما، باید مشاهده کنید که بلشویک‌ها پس از فوریه‌ی سال ۱۹۱۷ دهقانان را به طور یکجا مبداء قرار نمی‌دادند بلکه تهیدست‌ترین آنها را مبداء قرار میدادند و با شعار قدیمی دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان به سوی، اکتبر نمی‌رفتند، بلکه با شعار نوین دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست‌ترین دهقانان حرکت می‌کردند.



از اینجا دیده میشود که بلشویک‌ها این شعار را در مبارزه با تردید و سازشکاری شوراهای، با تردید و سازشکاری قسمت معینی از دهقانان که کرسی شوراهای را اشغال کرده بودند و در مبارزه با تردید و سازشکاری احزاب معروف دموکراسی و خرده بورژوازی به کار می بردند که نام آن احزاب هم اس ار و منشویک است.

از اینجا دیده میشود که بدون شعار جدید دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست ترین دهقانان، ما نمی توانستیم ارتش سیاسی به قدر کفایت مقتدری جمع کنیم که قادر به غلبه بر سازشکاری اس ارها و منشویک‌ها باشد و تردید قسمت معینی از دهقانان را خنثی سازد، حکومت بورژوازی را سرنگون کند و به این ترتیب به آخر رساندن انقلاب بورژوازی را ممکن نماید.

از اینجا دیده میشود که "ما، با وجود مقاومت کولاک‌ها (که آنها هم دهقانند) و با وجود تردید دهقانان میانه حال، به معیت تهیدست ترین دهقانان، به طرف اکتبر رفته و در اکتبر پیروز شدیم" (به جواب من به یان - سکی مراجعه شود).<sup>۲</sup>

بدین طریق چنین بر می آید که در ماه آوریل سال ۱۹۱۷ هم، مثل تمام دوره‌ی تدارک اکتبر، حق با لنین بود نه با کامنف و شما هم با تجدید نظرات کامنف، مثل این که داخل دار و دسته‌ی نا مناسبی میشوید.

۲ - شما، برخلاف تمام آن چه که در بالا گفته شد، سخنان لنین را به میان می کشید که می گوید در اکتبر سال ۱۹۱۷ حکومت را با مساعدت کلیه‌ی دهقانان به دست گرفته‌ایم. این که حکومت را ما با مساعدت معینی از طرف کلیه‌ی دهقانان به دست گرفته‌ایم کاملاً صحیح است. ولی شما فراموش کردید یک "چیز جزئی" را هم اضافه کنید و آن این که همه‌ی دهقانان در اکتبر و پس از اکتبر فقط تا آنجا و مادامی از ما حمایت میکردند که ما انقلاب بورژوازی را به پایان می رساندیم. این "چیز جزئی" خیلی مهم است و چیزی است که فعلاً مسئله را حل میکند. "فراموش کردن" این "چیز جزئی" به این مهمی و ماست و مالی کردن مسائل مهم به این طریق برای یک نفر بلشویک جائز نیست.

از مکتوب شما دیده میشود که شما سخنان لنین، یعنی حمایت کلیه‌ی دهقانان را در نقطه‌ی مقابل شعار حزب درباره‌ی "دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست ترین دهقانان" که این شعار را هم لنین داده است، قرار می دهید. ولی برای این که بتوان این سخنان لنین را در نقطه‌ی مقابل شاهد مثال‌های قبلی از تألیفات لنین قرار داد و برای این که مأخذی در دست باشد تا بتوان شاهد مثال‌های قبلی را درباره‌ی دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست ترین دهقانان، که از لنین اقتباس شده

---

<sup>۲</sup> - ۱ - اشاره به مقاله‌ی "راجع به سه شعار اصلی حزب در باب مسئله‌ی دهقانان (جواب به یان - سکی)" است.

است، با سخنان همان لنین درباره‌ی کلیه‌ی دهقانان که شما آن را شاهد آورده‌اید، در مقابل یک دیگر قرار داد، اقلأ دو چیز را باید ثابت نمود.

اولاً. باید ثابت کرد که مسئله‌ی عمده‌ی انقلاب اکتبر به آخر رساندن انقلاب بورژوازی بوده است. لنین معتقد است که به آخر رساندن انقلاب بورژوازی یک محصول "فرعی" انقلاب اکتبر است که انقلاب اکتبر آن را "عبوراً حل کرده است. قبل از همه باید این تشخیص لنین را رد کرد و ثابت نمود که مسئله‌ی عمده‌ی انقلاب اکتبر سرنگون کردن حکومت بورژوازی و رسیدن حکومت به دست پرولتاریا نبوده بلکه، به آخر رساندن انقلاب بورژوازی بوده است. کوشش کنید، شاید این را ثابت کردید، آن وقت من حاضرم اعتراف کنم که شعار حزب از آوریل الی اکتبر ۱۹۱۷، دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست‌ترین دهقانان نبوده بلکه دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان بوده است. از مکتوب شما چنین بر می‌آید که شما غیر ممکن می‌بینید این وظیفه‌ی از خطرناک هم خطرناک‌تر را بر عهده گیرید ولی مع ذلک کوشش دارید "عبوراً" ثابت کنید که در یکی از مهم‌ترین مسائل انقلاب اکتبر، یعنی در مسئله‌ی صلح مثل این که کلیه‌ی دهقانان به طور یکجا از ما حمایت کردند. این البته صحیح نیست. این به هیچ وجه صحیح نیست. شما درباره‌ی مسئله‌ی صلح به نظریه‌ی عوامانه‌ای رسیده‌اید. مسئله‌ی صلح در آن وقت در حقیقت مسئله‌ی حکومت بود زیرا فقط با استقرار حکومت در دست پرولتاریا ممکن بود خروج از جنگ امپریالیستی را انتظار داشت. شما باید کلمات لنین را فراموش کرده باشید که می‌گوید:

« تمام کردن جنگ فقط منوط به افتادن حکومت به دست طبقه‌ی دیگر است » و « "نیست باد جنگ" - معنیش زمین گزاردن سر نیزه نیست، بلکه معنیش انتقال حکومت به دست طبقه‌ی دیگر است. » (از نطق لنین در کنفرانس عمومی شهر پتروگراد در ماه آوریل ۱۹۱۷، جلد ۲۰ ص. ۱۸۱ - ۱۸۷ چاپ روسی).

بنابراین از دو حال خارج نیست: یا شما باید ثابت کنید که مسئله‌ی عمده‌ی انقلاب اکتبر به آخر رساندن انقلاب بورژوازی بود و یا اگر نتوانستید ثابت کنید به خودی خود این نتیجه به دست می‌آید که دهقانان فقط تا آنجا می‌توانستند از ما به طور یکجائی حمایت کنند که ما سلطنت، مالکیت ملاکین و نظم و نظام آنان را الغاء کرده، انقلاب بورژوازی را در اکتبر به آخر می‌رساندیم.

ثانیاً شما باید ثابت کنید که بلشویک‌ها در اکتبر و پس از اکتبر مادام که انقلاب بورژوازی را به آخر می‌رساندند، می‌توانستند حمایت یکجائی دهقانان

را بدون اجرای مرتب شعار دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست ترین دهقانان در تمام دوره‌ی تدارک اکتبر، بدون مبارزه‌ی مرتب با سازشکاری احزاب خرده بورژوازی، که نتیجه‌ی این شعار است، بدون رسوا کردن مرتب تردید قشرهای معین دهقانان و نمایندگان آنها در شوراها، که باز هم نتیجه‌ی همین شعار است، برای خود تأمین نمایند. کوشش کنید، شاید اینها را ثابت کردید. واقعاً هم چطور شد که ما موفق شدیم حمایت دهقانان را به طور کلی در اکتبر و پس از اکتبر برای خود تأمین کنیم؟ برای این که ما امکان به دست آوردیم انقلاب بورژوازی را به آخر رسانیم. چرا ما چنین امکانی را به دست آوردیم؟ زیرا موفق شدیم حکومت بورژوازی را سرنگون کنیم و حکومت پرولتاریا را جای آن قرار دهیم، پرولتاریائی که فقط او استعداد آن را دارد که انقلاب بورژوازی را به آخر رساند.

چرا ما موفق شدیم حکومت بورژوازی را سرنگون کنیم و حکومت پرولتاریا را برقرار نمائیم؟ زیرا ما اکتبر را تحت شعار دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست ترین دهقانان تدارک می‌دیدیم، زیرا مبارزه‌ی خود را بر پایه‌ی این شعار با احزاب خرده بورژوازی مرتب ادامه می‌دادیم، زیرا بر پایه‌ی این شعار مبارزه‌ی مرتبی با تردیدهای دهقانان میانه‌حال در شوراها انجام می‌دادیم، زیرا فقط با وجود چنین شعاری ما توانستیم بر تردید دهقانان میانه‌حال غالب آئیم، سازشکاری احزاب خرده بورژوازی را در هم شکنیم و چنان ارتش سیاسی جمع آوری کنیم که استعداد مبارزه در راه انتقال حکومت به دست پرولتاریا را داشته باشد. مشکل لازم به اثبات باشد که بدون این شرایط مقدماتی، که سرنوشت انقلاب اکتبر را تعیین می‌کند، ما نمی‌توانستیم در امر به آخر رساندن انقلاب بورژوازی را حمایت دهقانان را به طور یکجا، چه در اکتبر و چه پس از اکتبر، به دست آوریم.

اینست معنی متصل نمودن جنگ‌های دهقانی با انقلاب پرولتاریا. از این جهت است که قرار دادن حمایت یکجائی دهقانان در اکتبر و پس از اکتبر در امر به آخر رساندن انقلاب بورژوازی را در نقطه‌ی مقابل مسئله‌ی تدارک انقلاب اکتبر تحت شعار دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست ترین دهقانان، به معنی آن است که چیزی از لنینیسم درک نشده باشد.

اشتباه اساسی شما، در این است که شما در جریان انقلاب اکتبر، نه در هم پیچیده بودن مسائل سوسیالیستی را با مسائل به آخر رساندن انقلاب بورژوازی فهمیده‌اید و نه مکانیسم اجرای درخواست‌های جداگانه‌ی انقلاب اکتبر را، که از شعار دوم استراتژی حزب درباره‌ی دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست ترین دهقانان بر می‌آید.

از قرائت مکتوب شما میتوان چنین فکر کرد که ما دهقانان را برای مساعدت به انقلاب پرولتاریائی به خدمت نگماردیم، بلکه بر عکس "دهقانان به طور یکجا"، که کولاک‌ها هم جزو آنها هستند، بلشویک‌ها را به خدمت خود گماردند. کار بلشویک‌ها اگر به این آسانی‌ها به خدمت طبقات غیر پرولتاریائی "در می‌آمدند" زار بود.

چیزی که اکنون پای گیر شما شده است، نظریات کامنف در دوره‌ی آوریل سال ۱۹۱۷ است.

۳ - شما مدعی هستید که استالین فرق بین وضعیت سال ۱۹۰۵ و وضعیت فوریه‌ی ۱۹۱۷ را نمی‌بیند. البته این یک ادعای بی‌اساس است. من چنین چیزی نه گفته‌ام و نمی‌توانستم هم بگویم. من در مکتوب خود فقط گفته‌ام که شعار حزب درباره‌ی دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان، که در سال ۱۹۰۵ داده شده بود، در انقلاب فوریه‌ی سال ۱۹۱۷ صحت خود را تأیید نمود. و این البته صحیح هم هست. لنین در مقاله‌ی "دهقانان و کارگران" خود در سال ۱۹۱۷ مخصوصاً وضعیت را همین طور هم تشریح نموده است:

« فقط پرولتاریا و دهقانان می‌توانند سلطنت را سرنگون سازند - این بود تعریف اساسی سیاست طبقاتی ما در آن وقت (منظور سال ۱۹۰۵ است. ی. استالین) و این تعریف صحیح بوده است. فوریه و مارس سال ۱۹۱۷ یک بار دیگر هم صحت آن را به ثبوت رساند. \* » (جلد ۲۱ ص. ۱۱۱)

خلاصه این که، شما بهانه جوئی می‌فرمائید.

۴ - شما سپس سعی می‌کنید تناقص گوئی استالین را به این وسیله فاش سازید که در مقابل تر او راجع به سازشکاری دهقانان میانه حال قبل از اکتبر، شاهد مثالی از رساله‌ی "مسائل لنینیسیم" استالین می‌آورید که در آنجا از امکان ساختمان سوسیالیسم به معیت دهقانان میانه حال پس از تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا سخن گفته شده است. اثبات این امر به زحمت زیادی احتیاج ندارد که یکی کردن این دو پدیده‌ی مختلف مطلقاً غیر ممکن است. دهقان میانه حال قبل از اکتبر، موقعی که حکومت به دست بورژوازی بود، با دهقان میانه حال پس از تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا، موقعی که دیگر بورژوازی سرنگون و سلب مالکیت شده، کنوپراسیون توسعه یافته و آلات اساسی تولید در دست پرولتاریا جمع شده است، - دو چیز مختلفی می‌باشند. یکی کردن این دو نوع دهقان میانه حال و در یک کفه قرار دادن آنان، به معنای آن است که پدیده‌ها بدون ارتباط با اوضاع تاریخی بررسی شود و هیچ‌گونه دورنمایی باقی نماند. این

نظیر رویه‌ی شاهد مثال آوردن زینوویف است که تمام تاریخ‌ها و ادوار مختلف را با هم مخلوط می‌نماید. اگر معنی "دیالکتیک انقلابی" اینست، پس در این صورت باید معترف شد که پاکروفسکی در پشت هم اندازی "دیالکتیکی" گوی سبقت را از همگان ربوده است.

۵ - به بقیه‌ی مسائل نمی‌پردازم چون آنها را در مکاتبه با یان - سکی حل شده می‌دانم.

۲۰ ماه مه ۱۹۲۹

## ملاحظات:

۱ - نشریه‌ی "نویا ژیزن"، (زندگی نو) نشریه‌ی منشویکی که از آوریل سال ۱۹۱۷ تا ژوئیه‌ی سال ۱۹۱۸ در پتروگراد منتشر میشد.

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

صفحه‌ی توفان در شبکه‌ی جهانی اینترنت

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

نشانی پست الکترونیکی

پیروزباد حزب طبقه کارگر ایران